



می زند به پله های روبه روی چایخانه. کنارش می نشینم. جا باز می کند و با خنده شیرینی، یک مشت نقل از کیسه آویزان از توی گردنش بیرون می کشد: «بفرما مادر جان، دهنش را شیرین کن» نقل ها را می گیرم و دست های چروک و پینه بسته اش را می بوسم. کشاورزی است از روستای بالا کوخ از توابع استان گیلان. آمده تا آخر عمری از شاه خراسان بخواهد لحظه مرگ، دست های زحمت کشش را بگیرد. دوباره بر پینه هایش بوسه می زنم دستش را عقب می کشد و با استغفرالله سرم را می بوسد: «تکن مادر، رویم سیاه، دهنش را با نقل ها شیرین کن تا فردای قیامت من هم حرفی برای گفتن داشته باشم بین این همه خادم.»

شیرینی نقل ها، چای حرم را دل کش تر کرده. مثل دانه های تسبیح اند توی مشت، سفت می چسبمشان. عطر زحمت می دهند و عشق، تار و پود کیسه گردنی پیرزن را پر کرده است؛ قند هر استکانی که تمام شد، آرام به نقل میهمانمان می کند. بعد هم با کمری خمیده آرام آرام می رود به سوی ضریح. به سوی نور. به سوی مزاری که پیکر آفتاب را به آغوش کشیده و من دوباره برمی گردم کنج چایخانه؛ همان پاتوق دوست داشتنی که قیمت منوی آن، محبت به آفاست.

همه دارند چای می نوشند و سرخوش اند از نشستن توی مضيف شاه خراسان؛ یکی با استکانش عکس می گیرد. یکی قندها را تبرکی می برد و یکی دو دست استکان نو می دهد تا یک استکان لب زده بگیرد از خادم ها. در این چایخانه هر کسی توی دنیای خودش بست نشسته اما همه چشم ها و دل ها به سمت کعبه فقر است. به سوی آقایی که دل شکسته ها را عجیب، خریدار تر است. همان غریب الغرابی که کافیس صدایش بزنی یا امام رئوف، آن وقت تو را می طلبد. می آیی. از راهی دور. در بهشت. بایک استکان شراب طهور. مردی به حق افتاده و استکان توی دستش می لرزد. نگاهش می کنم. تماس تصویری گرفته با جوانی در آن سر دنیا؛ صدایش به لرزه افتاده و اشک هایش بی امان جاری اند. استکان را جلوی دوربین می گیرد و پشت سرش چایخانه افتاده. با تمام سادگی و دلبری اش. با خودم می گویم آخر چطور طعم چای حرم را می خواهی به آن بنده خدا بچشانی؟ اصلاً با آن همه کافه های لوکس اروپایی مگر اینجامی تواند چشمش را بگیرد؟

خادم های چایخانه شعر «ای صفای قلب زارم...» را می خوانند و استکان ها را هزار باره چای می کنند و ناگهان یک صدا می پیچد. صدای گریه بلند آن جوان پشت خط که با حق می گوید: «ای کاش ایران بودم سامان، این چایخانه به خدا که شبیه روایست...»



## افزایش ساعات خدمات رسانی چایخانه های حرم رضوی در ایام پایانی صفر

همزمان با ایام پایانی صفر، ساعات خدمات رسانی چایخانه های حرم مطهر رضوی با بهره گیری از ظرفیت موکب های خدمت رسان از شهرهای مختلف کشور افزایش یافت. چایخانه های حضرت رضا (علیه السلام) در صحن های کوثر، امام حسن مجتبی (علیه السلام) غدیر و باغ رضوان در ایام پایانی صفر به صورت ۲۴ ساعته فعال بودند و تنها در زمان تعویض شیفت های خدمتی، تنظیف و همچنین اقامه نماز تعطیل بودند. در مجموع روزانه از ۳۰۰ هزار زائر با توزیع چای متبرک در چایخانه های حضرت رضا (علیه السلام) پذیرایی شد.

این چایخانه ها در این ایام با توجه به حضور پرشور محبان انیس النفوس (علیه السلام) در بارگاه ملکوتی رضوی در سه شیفت صبح، بعدازظهر و بامداد علاوه بر توزیع چای متبرک با اقلام متبرکی همچون شربت، کیک و... نیز پذیرای زائر و مجاور بود.

چایخانه های حرم مطهر رضوی در آستانه سالروز شهادت حضرت رضا (علیه السلام) در شیفت صبح و بامداد با حضور موکب های خدمت رسان از استان هایی همچون خوزستان، آذربایجان شرقی، فارس، یزد، مازندران و... و در شیفت بعدازظهر با حضور کشیک های موظفی خادمیاران فعال بودند.